



## The Institutional Role of the Family and Family Roles in Achieving the Islamic Lifestyle: A Quranic Perspective \*

Salman Qasimi, Mohammad Mehdi Safurayi<sup>۱</sup> and Shahla Alipoor Shahraki<sup>۲</sup>

### Abstract



Strengthening and deepening the Islamic lifestyle without recognizing the core origins and pivotal focal points responsible for its initial generation and propagation would yield only superficial and ineffective efforts. The family, as the smallest social unit and the nucleus of human society, plays a significant role in shaping the process of adopting an Islamic lifestyle. This research delves into the examination of the institutional role of the family and family roles in realizing the Islamic lifestyle based on the Quran. The study is founded upon an analytical study method of verses related to lifestyle and family, utilizing library resources as well as drawing insights from interpretive narratives accompanying the verses. This investigation, aiming to identify, introduce, and elucidate the nucleus of achieving the Islamic lifestyle, falls within the realm of developmental research and serves as a foundational groundwork for presenting a practical model and an actionable plan, classifying as applied research. The research findings reveal that among the domains and factors involved in realizing the Islamic lifestyle - such as genetic and biological factors, family, and social elements - the “family and family roles” are recognized as a pivotal focal point. The impact of family roles is classified into three overarching categories: the educational role of the family, the nurturing role of the family, and the specific roles of men and women. The educational role of the family, with its subcategories in the religious, ethical, social, economic, and sexual domains, is considered a potential capacity with a focus on nurturing individuals and an effective tool with an emphasis on parents as educators. It is the central point for the establishment, expansion, and institutionalization of Islamic lifestyle values.

**Keywords:** Quran, Family, Family Roles, Islamic Lifestyle.

---

\*. **Date of Receiving:** ۳۰ August ۲۰۲۲, **Date of Approving:** ۲۱ February ۲۰۲۳.

<sup>۱</sup>. Ph.D. Graduate in Quranic Studies and Science with a Specialization in Psychology Al-Mustafa International University

[Corresponding Author]: (ghasemi<sup>۱</sup>^@gmail.com).

<sup>۲</sup>. Associate Professor at Al-Mustafa International University: (safurayi@gmail.com).

<sup>۳</sup>. MS Graduate in Positive Islamic Psychology: (alipoorshahraki@gmail.com).



## نقش کانونی خانواده و نقش‌های خانوادگی در تحقق سبک زندگی اسلامی بر اساس قرآن \*

سلیمان قاسمی<sup>۱</sup> و محمدمهدی صفورایی<sup>۲</sup> و شهلا علی‌پور شهرکی<sup>۳</sup>



### چکیده

تقویت و تعمیق سبک زندگی اسلامی بدون شناخت سرچشمه‌ها و نقطه‌های کانونی که نقش تولید و تکثیر اولیه آن را بر عهده دارند، تلاشی سطحی و کم‌اثر خواهد بود. خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی و هسته شکل‌گیری جامعه انسانی است که نقش عمده‌ای در فرایند شکل‌گیری سبک زندگی ایفا می‌کند. پژوهش حاضر به بررسی جایگاه کانونی خانواده و نقش‌های خانوادگی در تحقق سبک زندگی اسلامی بر اساس قرآن پرداخته است، این پژوهش مبتنی بر روش مطالعه تحلیلی آیه‌های مرتبط با سبک زندگی و خانواده با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. علاوه بر این از روایات تفسیری ذیل آیات نیز بهره برده است. این تحقیق در شناسایی، معرفی و تبیین کانون تحقق سبک زندگی اسلامی، از نوع تحقیقات توسعه‌ای و در زمینه‌سازی برای ارائه الگوی کاربردی و برنامه عملی، از تحقیقات کاربردی به‌شمار می‌رود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد از میان زمینه‌ها و عوامل دخیل در تحقق سبک زندگی اسلامی، نظیر زمینه‌ها و عوامل زیستی (وراثت)، خانواده و عوامل اجتماعی، «خانواده و نقش‌های خانوادگی»، نقطه کانونی به‌شمار می‌رود. شیوه تأثیر نقش‌های خانوادگی در سه دسته کلی نقش آموزشی خانواده، نقش تربیتی خانواده و نقش‌های اختصاصی مردان و زنان تعریف می‌شود. نقش تربیتی خانواده با زیرمجموعه‌هایی در حوزه‌های دینی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و تربیت جنسی به‌عنوان یک ظرفیت بالقوه با تمرکز بر مربی و یک ابزار کارآمد با تمرکز بر مربی والدین، کانونی‌ترین نقطه ایجاد، گسترش و نهادینه‌سازی ارزش‌های سبک زندگی اسلامی به‌شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: قرآن، خانواده، نقش‌های خانوادگی، سبک زندگی اسلامی.

\* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۸ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲.

۱. دانش آموخته دکتری رشته قرآن و علوم گرایش روانشناسی جامعة المصطفی ص العالمیه قم، ایران؛ «نویسنده مسئول»؛ (ghasemi181@gmail.com).

۲. دانشیار جامعه المصطفی ص العالمیه قم، ایران؛ (safurayi@gmail.com).

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی اسلامی گرایش مثبت؛ (alipourshahraki@gmail.com).



## مقدمه

خانواده، کانون اصلی آداب و رسوم و ارزش‌های مورد احترام، شالوده مستحکم مناسبات پایدار اجتماعی و روابط خویشاوندی، مبدأ بروز و ظهور عواطف و مهد پرورش اندیشه، اخلاق و تعالی روح انسانی است. اهمیت خانواده و مناسبات درونی آن به‌گونه‌ای است که افلاطون داشتن یک جمهوری خوب را منوط به داشتن خانواده خوب می‌داند. از این رو سلامت جامعه مبتنی بر سلامت و بالندگی خانواده است و ریشه سقوط و صعود هر جامعه در ارتباط وثیق با نهاد خانواده است. ادیان الهی همگی بر قداست و حرمت نهاد خانواده تأکید کرده‌اند و اسلام نیز به‌عنوان کامل‌ترین دین الهی و مکتب انسان‌ساز، بیشترین توجه را به ایجاد، تحکیم و تعالی خانواده و مناسبات آن دارد. در آیات قرآن، خانواده در بستر مودّت و رحمت شکل می‌گیرد و سعادت و شقاوت جامعه انسانی منوط به صلاح و فساد این بناست.

فلسفه شکل‌گیری خانواده مجموعه‌ای وسیع از اهداف و کارکردهای متنوع را در پیوستاری از یک خانواده رشدیافته و متعالی تا خانواده‌ای با کارکرد حداقلی در بر می‌گیرد. آرامش و سکونت در کنار تربیت و تداوم نسل توحیدی به‌منظور شکل‌گیری جامعه‌ای سالم و پویا از برجسته‌ترین اهداف تشکیل خانواده از منظر آموزه‌های اسلامی است که کارکردهای بشمارای را نیز در پی دارد. تأمین نیازهای اقتصادی، کارکرد مراقبتی و تأمین نیاز عاطفی و جنسی سالم و ایمن از کارکردهای عمده خانواده به حساب می‌آید. در این میان یکی دیگر از مسائل خانواده، نقش‌های خانوادگی است. نقش همسری، والدینی و فرزندی عمده‌ترین نقش‌های خانوادگی است که کارکرد درست و بهینه آنان زمینه کارایی خانواده را فراهم می‌کند. در آموزه‌های اسلامی علاوه بر تعیین حدود مرز خانواده و کارکردهای کلی آن، نقش‌های خانوادگی نیز مورد توجه بوده و به حقوق و تکالیف هرکدام به‌نفسه یا در ارتباط با دیگری پرداخته شده است. در ادامه ابتدا به مفهوم‌شناسی و سپس به بررسی نقش خانواده و نقش‌های خانوادگی می‌پردازیم.

## یک. مفهوم‌شناسی

### ۱. سبک زندگی

واژه سبک در فرهنگنامه‌های لغت فارسی به معنای روش، شیوه، سیاق، روال و طرز (دهخدا، لغتنامه دهخدا، ۱۳۶۳، ذیل واژه سبک) و معادل کلمه «style» در زبان انگلیسی است. کلمه زندگی به معنای هستی، حیات، مدت عمر و زیست (همان: واژه زندگی)، معادل «life» در زبان انگلیسی است.

ترکیب این دو واژه اصطلاح سبک زندگی است که معادل اسلوب الحیاة، اسلوب العیش و نمط الحیاة در زبان عربی و «stylelife» در زبان انگلیسی است. امروزه رویکردهای متفاوتی در تعریف این اصطلاح وجود دارد. رویکرد جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، پزشکی و اسلامی مهم‌ترین رویکردهای شناخته شده به‌شمار می‌روند.

در رویکرد جامعه‌شناسی، سبک زندگی بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های گئورگ زیمل و ماکس وبر قرار دارد. تعریف سبک زندگی در این رویکرد بیشتر نگاه توصیفی است و نقشی همچون اصطلاح طبقه اجتماعی یا هویت اجتماعی ایفا می‌کند و جایگزینی برای اصطلاح طبقه به کار گرفته شده است (شریفی، سبک زندگی ایرانی اسلامی، ۱۳۹۱: ۲۰). سبک زندگی با رویکرد روان‌شناسی مفهومی است که آلفرد آدلر، مبتکر روان‌شناسی فردی آن را مطرح کرد. در این رویکرد سبک زندگی، شیوه‌ای است که فرد اهداف خود را از آن طریق دنبال می‌کند یا پاسخ‌هایی است که انسان در موقعیت‌های زندگی در برابر فرصت‌ها و مشکلات از خود ارائه می‌دهد. در این رویکرد، سبک زندگی دارای سه کارکرد فهم زندگی کنونی، امکان پیش‌بینی و کنترل به‌منظور آمادگی بیشتر برای مواجهه با حوادث آینده و تدارک واکنش مناسب است (کاویانی، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ۱۳۹۱: ۶۶). در علوم پزشکی، سبک زندگی رویکردی سلامت‌محور دارد و مرتبط با تغذیه مناسب، فعالیت‌های ورزشی، بهره‌گیری از خدمات پزشکی، مراعات بهداشت فردی و عدم مصرف مواد و دوری از رفتارهای پرخطر است (فاضلی، مصرف و سبک زندگی، ۱۳۸۲: ۱۴۸).

## ۲. سبک زندگی اسلامی

رویکرد اسلامی به سبک زندگی پیشینه علمی کمتر اما تاریخچه‌ای به قدمت خود آموزه‌های اسلامی دارد. در این رویکرد، سبک زندگی به‌عنوان مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته، متأثر از باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته شده فرد است که متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی به وجهه غالب رفتاری تبدیل شده است (شریفی، سبک زندگی ایرانی اسلامی، ۱۳۹۱: ۲۰).

سبک زندگی اسلامی در مقایسه با رویکردهای قبلی تا حدود زیادی متفاوت است. سبک زندگی مشهور یا همان «lifestyle»، مفهومی امروزی و مدرن است که رویکردی گزارشی و توصیفی نسبت به وضعیت موجود دارد و در عرصه دنیای مادی رخ می‌دهد، درحالی‌که سبک زندگی اسلامی علاوه بر توصیف و گزارش وضعیت موجود، دربرگیرنده برنامه‌ای توصیه‌ای و تجویزی نیز هست. در واقع سبک زندگی اسلامی که علاوه بر عقل و یافته‌های بشری از منابع دیگری نظیر وحی و نقل هم سرچشمه





می‌گیرد، با پالایش وضعیت موجود، الگوهایی برای زندگی مطلوب توصیه می‌کند که از این دنیا آغاز شده و تا ابدیت امتداد دارد (رضایی اصفهانی، سبک زندگی قرآنی، ۱۳۹۶: ۳۲/۱). در همین راستا، سبک زندگی اسلامی، مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار جهت نیل به اهداف را شامل می‌شود که از بینش‌های دینی و ارزش‌های الهی متأثر بوده و به‌صورت عینی در متن زندگی تجلی می‌یابد. در واقع سبک زندگی اسلامی شیوه‌ای از زندگی است که به مدد آن می‌توان آموزه‌ها و معارف اسلامی را عملیاتی و محقق کرد. از آنجایی که محور و منشأ اصلی و متقن منابع در سبک زندگی اسلامی آیات الهی است و به‌وسیله آن سایر منابع نیز راستای آزمایی می‌شوند، ازاین‌رو می‌توان معادل سبک زندگی اسلامی را همان سبک زندگی قرآنی دانست (فعالی، مبانی سبک زندگی اسلامی، ۱۳۹۷: ۱۳۲).

### ۳. خانواده

خانواده در زبان فارسی به‌معنای اهل خانه، دودمان، تبار، تیره و خاندان (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۷۷: واژه خانواده)، کوچک‌ترین واحد اجتماعی است. در زبان عربی معادل خانواده، اسره و اهل بیت است (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۸: ۱۷۰). اهل، دال بر پیوند جامع و انس و الفت میان یک عده و بیت، مترادف با مسکن و به محل اقامت شبانه اطلاق می‌شود (مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۸: ۳۵۹). معادل انگلیسی خانواده «Family» به معنای گروهی شامل یکی از والدین یا هر دو آن‌ها و فرزندان است (سراقی، بازتعریف خانواده بر اساس قرآن و منابع روایی، ۱۳۹۸ش ۶۸: ۶۸). برخلاف ظاهر آشنا و مفهوم ملموس خانواده، ارائه تعریف یکسان و جهان‌شمول از آن غیرممکن است؛ چراکه خانواده مفهومی اعتباری است و تعریف آن تابع جعل است، ازاین‌رو متناسب با هر فرهنگ می‌تواند تعریف متفاوتی داشته باشد. در رویکرد جامعه‌شناسی، خانواده گروهی از افراد است که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً با یکدیگر پیوند یافته و اعضای بزرگ‌سال آن مسئول نگهداری کودکان هستند (گیدنز، جامعه‌شناسی، ۱۳۸۳: ۴۲۴). در رویکرد روان‌شناسی، خانواده واحدی است که عملکرد آن از طریق الگوهای مراوده‌ای صورت می‌گیرد. بنا بر یک تحقیق جامع توصیفی تحلیلی، عناصر مؤثر در تعریف خانواده از دیدگاه آموزه‌های اسلامی به شرح زیر استخراج شده است. خانواده بنایی است که با پیمان زندگی مشترک یک زن و مرد بنا نهاده می‌شود و بر اساس آن غالباً زن و مرد با فرزندان و گاهی فرزند همسر، پدر و مادر بزرگ در مسکنی واحد و در فضایی همراه با آرامش و محبت، تحت مدیریت و تأمین معیشت مرد زندگی می‌کنند. زوجین نسبت به نیازهای هم، به‌ویژه نیاز جنسی مسئول و برای سایرین نقش محافظتی و پرورشی دارند (سراقی، بازتعریف خانواده بر اساس قرآن و منابع روایی، ۱۳۹۸ش ۹۳: ۹۳). آنچه برآیند همه این تعاریف به دست می‌دهد اهمیت و جایگاه محوری آن در ارتباط با فرد و جامعه بشری است.

#### ۴. نقش‌های خانوادگی

نقش از واژه‌هایی است که در حوزه‌های گوناگون معانی مختلفی دارد، اگرچه اصالتاً در فضای دانش جامعه‌شناسی تعریف می‌شود. هر فرد دارای جایگاه و موقعیتی است که مبتنی بر آن، مجموعه‌ای از رفتارها از وی انتظار می‌رود. این مجموعه رفتارها و الگوهای تکرارشونده به عنوان نقش شناخته می‌شوند. در واقع از هر موقعیت معین رفتار خاصی مورد انتظار است که به وسیله آن، کارکردهای فردی و اجتماعی هرکس به انجام می‌رسد (گیدنز، جامعه‌شناسی، ۱۳۸۳: ۷۹۱). در یک خانواده نقش‌های اصلی بر سه محور زوجینی، والدینی و فرزندان استوار است که در این مقاله با توجه به نام مقاله فقط به نقش‌های همسری و والدینی پرداخته می‌شود.

#### دو. پیشینه

مباحث خانواده در آیات قرآن از مباحث مطرح در مباحث قرآنی است. کتاب «خانواده در قرآن» اثر احمد بهشتی (۱۳۷۷ ش) از منابع اولیه و معتبری است که البته استفاده فراوانی از روایات نیز برده است. از حدود یک دهه گذشته و با تأکید مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، موضوع سبک زندگی تا حدود زیادی محور پژوهش‌های اسلامی قرار گرفته است. قبل از این، با نگاهی میان‌رشته‌ای، غالباً در جامعه‌شناسی و تا حدودی در برخی نظریه‌های روان‌شناسی نظیر روان‌شناسی فردی آدلر، طرح شده بود. «مصرف و سبک زندگی» از محمد فاضلی (۱۳۸۲ ش) از اولین کتاب‌ها با رویکرد جامعه‌شناسی است که رفتار مصرفی را در سبک زندگی غربی مورد بررسی قرار داده است. رمضانعلی عطایی (۱۳۸۳ ش) در کتاب «سبک زندگی و بیماری‌های غیرواگیر» با رویکرد پزشکی و سلامت به تأثیر سبک زندگی و ارتباط آن با برخی بیماری‌ها پرداخته است. «سبک زندگی و مصرف فرهنگی»، نوشته طلحه خادیمیان (۱۳۸۸ ش) پژوهشی در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی است.

کتاب «دین و سبک زندگی» از محمدسعید مهدوی‌کنی (۱۳۸۶ ش) اولین پژوهش جامع در حوزه ارتباط مناسک دینی با سبک زندگی است. در رویکرد روان‌شناسی هم، محمد کاویانی (۱۳۹۱ ش) با تألیف کتاب «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن» اولین پرسش‌نامه سنجش سبک زندگی اسلامی را هنجاریابی کرده است. محتوای این کتاب بر اساس آیات و بیشتر روایات تنظیم شده است. «سبک زندگی ایرانی اسلامی» از احمدحسین شریفی (۱۳۹۲ ش) به بررسی سبک زندگی ایرانیان و آسیب‌شناسی و بیان نقاط قوت و ضعف آن پرداخته است. محمدتقی فعالی (۱۳۹۶ ش) در کتاب «مبانی سبک زندگی اسلامی»، به صورت مبنایی به بحث سبک زندگی پرداخته و بعد از واکاوی آن، امکان، چستی و



چگونگی سبک زندگی اسلامی را بررسی کرده است. در این کتاب به رابطه سبک زندگی اسلامی و مفاهیم مشابه مانند سیره، سنت، آیین و آداب زندگی پرداخته شده و از سبک زندگی اسلامی به عنوان دانشی مستقل سخن به میان آمده است. همچنین بررسی ارتباط سبک زندگی اسلامی با فقه و اخلاق نیز از موارد درخور توجه این کتاب است. «مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی اسلامی» از ابراهیم نصرالله پورعلمداری و دیگران (۱۳۹۴ ش)، و «سبک زندگی قرآنی» در دو جلد، از محمدعلی رضایی اصفهانی (۱۳۹۶ ش) قرآن‌پژوه و مفسر معاصر از دیگر کتاب‌های تألیف‌شده با رویکرد اسلامی است که کتاب اخیر بیشتر با تأکید بر آیات قرآن به بررسی مبانی و اصول سبک زندگی قرآنی پرداخته است. در فضای ارتباط خانواده با سبک زندگی اسلامی نیز، «سبک زندگی اسلامی در خانواده» از محمدعارف صداقت (۱۳۹۴ ش) و «خانواده و الگوی سبک زندگی اسلامی» از سیدعباس خلیلی (۱۳۹۵ ش) کتاب‌هایی هستند که به بررسی خانواده در سبک زندگی اسلامی پرداخته‌اند.

همچنین پایان‌نامه‌ها و مقالات متعددی نیز در این زمینه به رشته تحریر درآمده است که ارتباط این مفهوم با متغیرهای دینی، روان‌شناختی و پزشکی یا سلامت را مورد بررسی قرار داده‌اند. در رابطه با نقش‌ها، علی‌احمد پناهی با کتاب «نقش زن و مرد در خانواده» با رویکرد اسلامی و سیدمهدی خطیب در کتاب «این نقش‌ها واقعی است» به مسئله نقش زن و مرد و همسران در خانواده پرداخته‌اند. با این وجود در رویکرد اسلامی به سبک زندگی، اگرچه تاحدود زیادی به ابعاد و جوانب سبک زندگی اسلامی پرداخته شده؛ اما تقریباً در هیچ‌کدام به صورت مستقیم نقش‌های خانوادگی در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است.

## سه. خانواده در سبک زندگی اسلامی با تأکید بر آیات قرآن

تخصیص حداقل ۱۵۰ آیه در قرآن کریم در رابطه با زوجیت و خانواده و احادیث متعدد در این باره، نشان از تأکید دین اسلام بر این نهاد مقدس دارد (اسلام‌لو و همکاران، تربیت کودک، ۱۳۹۰: ۶). از طرف دیگر، خانواده به عنوان مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نهاد اجتماعی و محیطی امن برای دستیابی به اهداف عالی انسانی است. علامه طباطبایی با توجه به اهمیت جایگاه خانواده در تعریف آن می‌فرماید:

اولین مکانی که برای هر انسانی تعریف می‌شود و بدان تعلق دارد، خانواده است. خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که با پیوند مقدس ازدواج آغاز و با تولد فرزندان کامل‌تر می‌شود (طباطبایی، روابط اجتماعی در اسلام، ۱۳۸۹: ۴۰۵).

نهاد اولیه تعلیم و تربیت، خانواده است. در اینجاست که ارزش‌ها، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، از طریق پدر و مادر و سایر افراد بزرگسال خانواده به فرد انتقال می‌یابد و چنان‌که خانواده‌ای در مسیر صحیح تربیت اسلامی و در چارچوب برنامه‌های ارائه‌شده از سوی قرآن و سنت باشد، می‌تواند سهم بزرگی در پیشرفت و ترقی جامعه داشته باشد (بیگی، ارزش‌های اجتماعی در قرآن، ۱۳۸۹: ۳). در آیات بسیاری از قرآن کریم به بحث خانواده و نقش تربیتی آن اشاره شده است؛ از جمله آیه ۵۸ سوره اعراف. در تفسیر این آیه آمده است: کلمه «نکدا»، به معنای چیزی است که در آن خیری نباشد، نبات نکد، به معنای گیاه کم و بی‌فایده است. اگر با دید وسیع به این آیه بنگریم، شاید بتوان یکی از مصادیق سرزمین پاک را که محصول پاک می‌دهد، خانواده پاک بدانیم (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۶: ۴/۸). همچنین علامه طباطبایی در تفسیر این آیه، آورده است:

این آیه صرف‌نظر از انضمامش به آیه قبلی، به منزله مثال عامی است که می‌رساند اعمال حسنه و آثار ارزنده از گوهر پاک سرچشمه می‌گیرد و خلاف آن‌ها از خلاف آن (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ق: ۲۰۰/۸).

بنابراین، می‌توان خانواده را اساسی‌ترین عامل انتقال ارزش‌ها در نظر گرفت. صالح و معتقدبودن خانواده، منجر به تولد فرزندان پایبند به اصول و ارزش‌ها می‌شود و نتیجه آن، داشتن جامعه‌ای صالح خواهد بود؛ چراکه توقع یک جامعه صالح بدون اصلاح نظام خانواده کاملاً بی‌جا و خلاف حقیقت است (انصاریان، نظام خانواده در اسلام، ۱۳۸۰: ۴).

اصلاح سبک زندگی در خانواده و به معنای دقیق‌تر در خود والدین، نخستین گام برای تحقق سبک زندگی اسلامی و تشکیل خانواده اسلامی و به تبع آن جامعه اسلامی است. فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری افراد جامعه، از خانواده شروع می‌شود. خانواده سالم و کارآمد، همواره مهم‌ترین عامل حفظ هنجارها و مقاوم‌ترین سد در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانه در قالب سبک زندگی بوده و هست. در ایجاد، تثبیت و ترویج سبک زندگی اسلامی، قالب پذیرفته‌شده و راجح، خانواده است، خانواده نظام مولدی است که با عملیاتی‌کردن آموزه‌های دینی در وجود خود، با تربیت تک‌تک اعضای خانواده خصوصاً فرزندان، سبک زندگی اسلامی را تولید و از این طریق جامعه آرمانی را می‌سازد. به همین سبب است که همه احکام حقوقی اعم از مدنی و اجتماعی، بر اساس قالب خانواده تنظیم می‌شود. از دیدگاه علامه طباطبایی رحمته‌الله در اسلام، فرد، رسمیت ندارد، فرد صرفاً در حوزه نیت و اعتقادات به رسمیت شناخته می‌شود؛ بنابراین اگر در جامعه‌ای دین، سبک زندگی باشد یا به عبارتی سبک و شیوه زندگی مبتنی بر دین و مذهب اسلام باشد، خانواده و تشکیل خانواده، اصل، محور و نقطه کانونی است



و طلاق یک استثنای غیر شایع و منفور می‌شود. اسلام دینی مبتنی بر فطرت آدمی بوده و مواد اعتقادی و عملی‌اش بر اساس آفرینش ریخته شده است، از این رو در زندگی، انسان را به سبکی دعوت می‌کند که سرشت انسان با آن سازگاری کامل دارد (طباطبایی، معنویت تشیع، ۱۳۸۷: ۱۵).

در تحقق هر سبکی از زندگی باید بین زمینه‌ها و عوامل تفاوت قائل شد. زمینه‌ها بیشتر تسهیل‌گرند. تأثیر آن‌ها با واسطه و به صورت جزئی ظاهر می‌شود و بیشتر شرایط بروز خصوصیت یا ویژگی را فراهم می‌کنند و نتیجه نهایی با عوامل دیگری است که به انتخاب خود فرد بستگی دارد. زمینه‌ها غالباً از حیطه اختیار خود فرد خارج‌اند و انسان نمی‌تواند آن‌گونه که می‌خواهد آن‌ها را تغییر دهد. از لحاظ زمانی هم زمینه‌ها قبل از اراده انسان وجود دارند. در مقابل، عوامل از جمله متغیرهای بدون واسطه و مستقیم‌اند. عوامل، غالباً در اختیار آدمی است و فرد می‌تواند نسبت به تغییر و اصلاح آن‌ها اقدام نماید. برای مثال تولد در خانواده‌ای فقیر یا دانشمند تأثیر متفاوتی بر زندگی انسان می‌گذارد. شکل‌گیری هر سبکی از زندگی نخست در گرو زمینه‌هایی است که هر فرد تحت عنوان وراثت با خود حمل می‌کند. در دوران پس از تولد، موقعیت خانواده و فضای آموزشی و تربیتی آن بیشترین سهم را در فراگیری و شکلدهی به شخصیت فرد را بر عهده دارد. از دیدگاه مفسران نیز سه عامل وراثت (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷ق: ۱۳/۱۸۹)، خانواده و جامعه (همان: ۱۴۸/۴-۱۵۳)، تعیین‌کننده شیوه زندگی فرد به‌شمار می‌رود. وراثت نقطه تلاقی زمینه‌ها و ویژگی‌های جسمی و روانشناختی والدین است. البته این زمینه‌ها بالقوه هستند و در محیط خانواده و سپس اجتماع تحت تأثیر اراده و اختیار فردی و زمینه‌ها و عوامل محیطی به منصه ظهور می‌رسند.

یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سبک زندگی، نقش‌های خانوادگی است که شامل نقش‌های آموزشی و تربیتی خانواده و نقش‌های اختصاصی مردان و زنان است. در این میان نقش‌های تربیتی جنبه‌های مختلف تربیت اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی و جنسی را شامل می‌شود و نقش‌های اختصاصی در برگیرنده نقش‌های همسرانه و والدینی است.

#### الف. نقش آموزشی و تربیتی خانواده

فضای هر خانواده القاکننده بینش‌ها و ارزش‌هایی است که در وجود فرزندان نسبت به برخی افکار، نگرش‌ها و رفتارها تمایل و نسبت به برخی دیگر بی‌میلی یا تقابل ایجاد می‌کند، در کنار این، شخصیت کودک زمینه و آمادگی و استعداد خاصی در پذیرش و تربیت‌پذیری دارد؛ چراکه هنوز قالب خاصی در وجود او شکل نگرفته و آمادگی کامل برای دریافت و پذیرش باورها و تقلید از رفتارها را دارد. به این ترتیب فاعلیت اجزای خانواده از والدین گرفته تا فضای تربیتی خانواده و قابلیت‌های

وجود کودک نهفته است، باعث می‌شود تا بینش‌ها، گرایش‌ها و الگوهای رفتاری خانواده در وجود فرزندان بازنمایی و تکرار شود. در بسیاری از موارد، این بازتولید به صورتی نهفته و پنهان اتفاق می‌افتد، به گونه‌ای که جلوه‌های رفتاری آن در سال‌های بعد خودنمایی می‌کند. وجود این اتصال و ارتباط بین والدین و فرزندان و تأثیرپذیری، مسئولیت‌هایی را نیز به دنبال دارد که در آموزه‌های دینی به آن اشاره شده است. در واقع خانواده هم در رشد و تعالی فرد دخالت دارد و هم در محافظت و مصون‌سازی وی از آسیب‌ها و موانع رشدی.

خداوند متعال در آیه ۶ سوره تحریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحَيَّاتُ﴾ در تفسیر این آیه آمده است: نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. این برنامه‌ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد و در تمام مراحل با برنامه‌ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. به تعبیر دیگر، حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آن‌ها حاصل نمی‌شود، مهم‌تر از آن، تغذیه روح و جان آن‌ها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۲۴/۲۸۷).

نقش‌های خانوادگی را می‌توان در دو دسته نقش‌های مشترک و اختصاصی دسته‌بندی کرد: نقش‌های مشترک، در گستره وسیعی از مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی جریان دارد. نقش آموزشی و نقش تربیتی خانواده دو حوزه کلی در این زمینه است که نقش تربیتی به زیرشاخه‌های متعددی نظیر تربیت دینی و معنوی، تربیت اخلاقی، تربیت جنسی، تربیت اجتماعی و تربیت اقتصادی تقسیم می‌شود.

#### ۱. نقش آموزشی خانواده

آموزش به معنای فرایند انتقال اطلاعات، به منظور شکل‌دهی بر اندیشه، عواطف و رفتار فرد فعالیتی مشخص و محدود، ابزار و بستری جهت تربیت و پرورش است (سیف، روانشناسی پرورشی؛ روانشناسی یادگیری و آموزش، ۱۳۸۶: ۴۰۰). خانواده اصیل‌ترین فضای آموزشی و والدین از اولین عناصر اثرگذار در فرایند آموزش به‌شمار می‌روند. بسیاری از مهارت‌ها، الگوهای رفتاری، هنجارها، آداب اجتماعی و کیفیت تعامل درست با دیگران به واسطه والدین به فرزندان در فضای خانواده آموزش داده می‌شود (مک کی و دیگران، مهارت‌های زندگی زن‌شویی، ۱۳۹۰: ۱۶۸).



خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (نحل/۷۸)؛ «و خدا شما را از شکم مادرانتان - درحالی‌که چیزی نمی‌دانستید - بیرون آورد، و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید.»

در این آیه وضعیت انسان در حین تولد به گونه‌ای است که چیزی نمی‌داند، اگرچه ابزارهای دانستن، گوش، چشم و قلب برای وی قرار داده شده است و طبق سیاق آیه شیوه سپاسگزاری از این نعمت‌ها به کارگیری آن در مسیر دانستن است. علاوه بر اینکه ترتیب قرارگرفتن سمع، ابصار و افئده دلالت بر مراحل تکامل رشد و تقدم کاربرد سمع بر دو مورد بعدی دارد. به گونه‌ای که انسان در دوران جنینی از صدای پیرامون متأثر می‌شود (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۶، ذیل آیه).

معمولاً دو نوع ویژگی از نسل‌های قدیمی به نسل جدید منتقل می‌شود. نخست، ویژگی‌های ژنتیکی و دوم ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی که والدین در آموزش و انتقال هر دو نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. والدینی که به نقش آموزشی خود آگاهند و با شیوه‌های مؤثر آموزش آشنایی دارند، بهتر و دقیق‌تر می‌توانند در راستای انتقال ارزش‌ها و ایجاد تحول مثبت نقش ایفا کنند (برنشتاین، جامعه‌شناسی، ۱۳۹۵). نقش آموزشی خانواده به صورت مستقیم توسط والدین و غیرمستقیم از طریق مدارس و مراکز آموزشی اتفاق می‌افتد. مراکز آموزشی به تناسب سنی کودکان فضای مناسبی را برای رشد و تقویت جنبه‌های اجتماعی شخصیت و فراگیری آداب اجتماعی فراهم می‌سازند.

## ۲. نقش تربیتی خانواده

تربیت صحیح، مبتنی بر فطرت الهی است و سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه را می‌سازد. تربیت را می‌توان فراتر از محدوده خانه و خانواده دید و اساساً وظیفه دین و رسالت انبیا الهی تربیت انسان‌هاست. با این وجود بخش مهمی از محدوده تربیت در خانه و خانواده اتفاق می‌افتد، و نقش خانواده در تربیت به مراتب از سایر زمینه‌ها، موقعیت‌ها و عوامل تربیتی دیگر بیشتر است. درواقع سبک زندگی اسلامی، نتیجه و حاصل نوع خاصی از تربیت است که مبانی و اصول خاص خود را دارد. در گستره زندگی و گذر از مراحل رشد، انسان‌ها هنگامی‌که در فضای خانه و خانواده قرار می‌گیرند، قابلیت و ظرفیت فوق‌العاده‌ای برای تربیت‌پذیری دارند، چه زمانی که به عنوان فرزندان خانواده تحت سرپرستی والدین قرار دارند و چه زمانی که خود اقدام به تشکیل خانواده کرده و سرپرستی یک خانواده را بر عهده می‌گیرند.



آموزه‌های دینی کانون خانواده و نقش تربیتی آن بر اعضای خانواده، بهترین و مناسب‌ترین زمان و مکان برای ایجاد، تغییر یا اصلاح و رشد و شکوفایی توانمندی‌های بالقوه انسانی را در سایه‌سار خانواده و تحت برنامه‌های تربیت محور قرار داده است.

در خانواده سه دسته انسان اصلاح می‌شوند: نخست، مردها که پدران این خانواده هستند؛ دوم، زن‌ها که مادران این خانواده‌اند و سوم، کودکان که نسل بعدی این جامعه هستند (حدادی، بروید باهم بسازید (توصیه‌های رهبر انقلاب به زوج‌های جوان)، ۱۳۸۸: ۵۰). بنابراین والدین ابتدا باید به تربیت و اصلاح سبک رفتاری خود بپردازند تا بتوانند در مسیر تربیت فرزندان به سبک اسلامی موفق عمل کنند؛ زیرا بهترین شیوه تربیت، الگودهی است؛ برای اینکه این الگوپذیری از والدین در خانواده به نحو احسن صورت گیرد، مهم‌ترین عامل، یکی‌بودن کردار و گفتار در خانواده است؛ آنچه پدر و مادر می‌گویند و به آن عمل می‌کنند، برای کودک به منزله حجت تلقی شده و از اعتبار خاصی برخوردار است (رهبر، «خانواده و نقش عملکرد آن در تربیت دینی، تضاد شیوه‌های تربیتی خانواده و مدرسه»، ۱۳۸۹: ۱۶). انسان‌ها عموماً با فطرتی صحیح متولد می‌شوند؛ اما در اثر تربیت نامناسب و نادرست امکان این وجود دارد که از راه صحیح زندگی فاصله گیرند (طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۸۴: ۱۹/۲). اگر در خانواده نقش فرهنگ‌سازی و درونی‌سازی ارزش‌ها، درست و به‌موقع انجام شود، مشکلات تربیتی بروز نمی‌یابد.

امروزه کارشناسان امور تربیتی معتقدند که اگر ما سرمایه‌گذاری‌های خود را از بسترسازی و پیشگیری‌ها آغاز کنیم، هم ریشه‌ای‌تر و هم ارزان‌تر کار خود را به‌پیش می‌بریم (شاملی، «فرآیند تربیت فرزندان در اندیشه دینی، رویکرد آسیب‌شناختی»، ۱۳۸۲: ۲۴). اینکه در آموزه‌های اسلامی بر تربیت صحیح در دوران کودکی تأکید فراوان شده، به‌خاطر نزدیکی به دوران فطرت است؛ چراکه انسان بر اساس فطرت از آغاز تولد برای تربیت‌پذیری آمادگی دارد. بدیهی است هرچه این امر در سنین پایین‌تر انجام گیرد، نتایج آن درخشان‌تر خواهد بود. در دوره کودکی، مغز کودک برای دریافت هر نوع تأثیراتی آمادگی بیشتری دارد. روی همین اصل، کودک هرچه در اختیارش قرار گیرد، فوراً جذب می‌کند. اخلاقی که در دوران کودکی کسب شده باشد، در زندگی بعدی اثرات مهمی از خود به‌جا می‌گذارد.

### یکم. نقش تربیت دینی و اخلاقی

اعتقادات دینی و فضائل اخلاقی از ارکان مهم سبک زندگی قرآنی است. توجه اعضای خانواده خصوصاً آشناکردن فرزندان با آموزه‌ها و معارف قرآنی و گزاره‌های دینی، به‌ویژه نماز و سایر واجبات از مهمترین جنبه‌های تربیت دینی است. تربیت دینی، آموزش برنامه‌ریزی‌شده و نظام‌مند باورهای مربوط





به خداوند، پیامبران و امامان، آغاز و انجام هستی، مناسک و تکالیف دینی است. علاوه بر تربیت دینی، خانواده زمینه‌ساز پرورش فضائل اخلاقی است و در مقابل شناخت و دوری از فضائل اخلاقی. در این زمینه خانواده خود کانون نشر و پرورش فضائل اخلاقی است و با تشویق و ترغیب فرد به فضیلت‌های اخلاقی نسبت به رشد اخلاقی و معنوی فرد اقدام می‌کند.

### دوم. نقش تربیت جنسی

نقش خانواده در تربیت جنسی به این معناست که خانواده شرایطی را فراهم سازد تا میل جنسی و رفتارهای مرتبط با آن در مسیر صحیح و هدفمند قرار گرفته و زمینه رشد و تعالی انسان را فراهم سازد، علاوه بر اینکه از هرگونه انحراف و لغزش‌های جنسی پیشگیری شود (عباسی، الگوی تنظیم رفتار جنسی با رویکرد اسلامی، ۱۳۹۶: ۲۳۷). نیاز جنسی از نیازهای اساسی، شایع و لذت‌بخشی است که بنابر حکمت الهی در وجود انسان قرار داده شده است. این نیاز علاوه بر تأمین لذت جنسی و آرامش روانی، موجبات بقای نسل بشر را نیز فراهم می‌کند (پناهی، نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی، ۱۳۹۸: ۲۲۶).

در سبک زندگی اسلامی از افراط و رهاسازی تأمین نیاز جنسی و تفریط و محروم‌سازی و انکار این نیاز خبری نیست. سبک زندگی اسلامی با دورا هبرد اساسی در دو مرحله مجرد و تأهل، نیاز جنسی و شیوه تأمین نیاز جنسی را مدیریت می‌کند. مدیریت زندگی فردی و اجتماعی جهت کاهش تحریک جنسی با هدف تسهیل در خویشتنداری جنسی در دوران مجردی و دسترسی ایمن و حلال و بهره‌مندی عقیفانه از لذت جنسی با رعایت موازین انسانی و اسلامی در دوران متأهلی الگوی زیست عقیفانه در سبک زندگی اسلامی را تشکیل می‌دهد (عباسی، الگوی تنظیم رفتار جنسی با رویکرد اسلامی، ۱۳۹۶: ۱۶۵).

### سوم. نقش تربیت اجتماعی

تربیت اجتماعی تأمین مقدمات لازم جهت بروز ارزش‌ها، هنجارها و ضوابط مطلوب اجتماعی در فرد با هدف اثرگذاری بر دیگران، مخالفت با نظرات غیرمنطقی و توافق و سازگاری در روابط اجتماعی است. سبک زندگی قرآنی، امری اجتماعی و خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، مبنای جامعه انسانی را تشکیل می‌دهد (حدادی، بروید باهم بسازید (توصیه‌های رهبر انقلاب به زوج‌های جوان)، ۱۳۸۸: ۳۵). فرسایش سرمایه اجتماعی در خانواده، گسیختگی نظام خانواده و طلاق، افراط و تفریط در جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی، ناهماهنگی میان خانواده و دیگر عوامل تربیت اجتماعی و ضعف نظارت خانواده بر فرزندان، در خانواده‌های امروزی از مسائلی است که می‌تواند در مسیر تربیت

اجتماعی مطلوب افراد در محیط خانواده، مانع ایجاد کند. بسیاری از بحران‌های اجتماعی ریشه در ساختار نامناسب یا عملکرد نادرست خانواده دارد؛ بنابراین با ارتقای سلامت خانواده و احیای کارکردهای مهم آن می‌توان در اصلاح سبک زندگی افراد جامعه گام برداشت. آمیختگی اخلاق و حقوق خانوادگی و مسائل زناشویی، در قرآن، ویژگی مثبتی است که تأثیری عمیق در زندگی اجتماعی دارد؛ زیرا در جامعه‌ای که از تربیت و ارزش‌های اخلاقی محروم است، افراد به آسانی از قانون و مقررات اجتماعی تخلف می‌کنند و قانون‌شکنی رایج و فراوان خواهد شد. هر قدر پایه‌های اخلاق، در جامعه استوارتر باشد، هم نفوس انسانی در مسیر تعالی و تکامل بیشتر قرار می‌گیرند و هم جرم و تخلف از قانون کمتر خواهد شد (مصباح‌یزدی، اخلاق در قرآن، ۱۳۹۱: ۶۴).

تشکیل خانواده و استقرار روابط زناشویی بین زن و مرد، موجد نظم اجتماعی است که مانع بروز هرج و مرج در روابط و حذف‌کننده بی‌قاعدگی‌ها و در نتیجه، ناشناخته‌ماندن نسل است. خانواده برای اجتماعی کردن فرزندان نقش مهمی دارد. اوامر و نواهی والدین به کودک که با مهر و انضباط توأم است، در ایجاد شخصیت اجتماعی، کاملاً مؤثر است. مهم‌ترین نقش‌های اجتماعی خانواده که مرتبط با سبک زندگی اسلامی است را می‌توان این‌چنین برشمرد:

یک: فرزندآوری و بقای نسل که حاصل آن بقای جامعه انسانی است.

دو: جامعه‌پذیری که همان هم‌نوایی و سازگاری با هنجارهای جامعه است؛ از خانواده شروع می‌شود.

سه: کاهش بزهکاری اجتماعی که از طریق تربیت اسلامی صورت می‌گیرد.

چهار: نظم اجتماعی که در دستورات اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد.

پنج: نظارت اجتماعی در دستورات اسلام از خانواده شروع می‌شود.

شش: از اساسی‌ترین روابط اجتماعی است که معمولاً هر فرد در زندگی خود تجربه می‌کند؛ روابط خانوادگی است (فاضل‌قانع، «سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی (با رویکرد رسانه‌ای)»، ۱۳۹۲: ۱۶۰)

#### چهارم. نقش فرهنگی

فرهنگ، جوهر اصلی سبک زندگی را تشکیل می‌دهد و سبک زندگی نیز بخشی از جلوه عینی و مصداق خارجی فرهنگ شمرده می‌شود، به عبارت دیگر فرهنگ در قالب سبک زندگی نمایان می‌شود (امام‌جمعه، جامعه‌شناسی فرهنگی، ۱۳۸۷: ۱۲). در همه تمدن‌ها خانواده، به عنوان شالوده حیات فرهنگی معرفی شده است. انتقال فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و حفظ اصول و عناصر اصلی یک تمدن و فرهنگ در یک جامعه و انتقالش به نسل‌های پی‌درپی، به برکت خانواده انجام می‌گیرد



(حاج علی اکبری، مطلع عشق (گزیده‌ای از رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای به زوج‌های جوان)، ۱۳۸۷: ۲۶). نقش فرهنگی خانواده از نقش اقتصادی و اجتماعی آن مهم‌تر است. کودکی که زاده می‌شود با فرهنگ آشنا نیست و پدیده‌های فرهنگی برای نخستین بار به صورت یک‌سویه از خانواده به کودک منتقل می‌شود، فرهنگی شدن کودک از طریق خانواده به دو صورت است:

یک. ناآگاهانه که از طریق سرمشق قرار دادن و اقتباس رفتار و کردار و گفتار والدین صورت می‌گیرد؛ دو. آگاهانه که با آموزش مستقیم و امر و نهی و تشویق و ممانعت صورت می‌گیرد (رئسی‌وانانی و عیوضی، رسانه و نقش خانواده، ۱۳۹۱: ۴۰).

#### ب. نقش‌های اختصاصی (نقش‌های مورد انتظار مردان و زنان در خانواده)

با ازدواج یک مرد و زن، بنیان خانواده شکل می‌گیرد و پیوسته میان این دو کنش و واکنش متقابل وجود دارد. کارکرد اصلی خانواده ایجاد زمینه و بستری مناسب برای رشد زیستی، روانی، اجتماعی و معنوی اعضای خانواده، خصوصاً همسران است (پناهی، نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی، ۱۳۹۸: ۷۷). برای داشتن جامعه‌ای مستحکم، نیازمند خانواده‌ای مستحکم بر اساس تعامل سالم دو جنس، اعتماد متقابل، اتحاد و همدلی، نیرومندی پیوند عاطفی، احترام به منزلت زوجین و ارتباط مؤثر دوسویه هستیم (گیدنز، جامعه‌شناسی، ۱۳۸۴: ۶۸). درباره اهداف ازدواج دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی هدف از آن را ارضای غریزه جنسی و دسته دیگر هدف ازدواج را تجارت و معامله دو خانواده می‌دانند (موسوی‌لاری، سیمای تمدن غرب، ۱۳۶۰: ۱۷۲). به ادعای برخی سه عامل افراد را به سوی ازدواج می‌کشاند: نیاز اقتصادی، میل به داشتن فرزند و عشق (کینگ، جامعه‌شناسی، ۱۳۴۹: ۲۳۲). از نگاه کسانی که برای خانواده قداست قائل نیستند، هدف اصلی از تشکیل خانواده، بهره‌گیری از تمتعات جنسی است؛ بلکه در بسیاری از موارد، هدفی جز این وجود ندارد؛ اما از نگاه قرآن و احادیث اسلامی، تشکیل خانواده دارای حکمت‌ها و دلایل متنوع روانی، اخلاقی، اجتماعی و دینی است؛ از جمله آرامش روانی، (روم/ ۲۱)، امکان بقای نسل (شوری/ ۱۱)، ایجاد مودت و رحمت (روم/ ۲۱)، انسان‌سازی (مظاهری، خانواده در اسلام، ۱۳۷۲: ۹۸). سازندگی اجتماعی و گسترش توحیدمحوری (محمدی‌ری‌شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن، ۱۳۹۰: ۲۱).

از منظر اسلام اهداف متعددی برای تشکیل رابطه زوجین و شکل‌گیری خانواده ذکر شده است. مهم‌ترین اهداف، تحقق تربیت اسلامی و رسیدن به آرامش است. در آموزه‌های اسلامی، ازدواج الگویی دو مؤلفه‌ای دارد. یک مؤلفه آن به همسران و مؤلفه دیگر به فرزندان اختصاص دارد. فلسفه ازدواج در بُعد همسران، سکونت و آرامش است که در آیه ۲۱ سوره روم متجلی شده است. در بُعد

فرزندان، آنچه هدف اصلی معرفی شده، تربیت نسل توحیدی است که در آیات و روایات به آن‌ها اشاره شده است (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۰۴، ۳/ ۳۸۲) بنابراین می‌توان فلسفه ازدواج و تشکیل خانواده را الگوی سکونت - تربیت دانست (پسندیده، رضایت از زناشویی، ۱۳۸۵: ۵۸).

اولین و مهمترین شرط جهت تشکیل خانواده در سبک زندگی اسلامی، داشتن انتخاب صحیح در فرایند همسرگزینی است. افرادی که سعی می‌کنند قبل از ازدواج در مورد همسرشان مطالعه کنند و همسری بیابند که از نظر روحی، متناسب با خودشان یا اصطلاحاً هم‌کفو باشد، بخشی از مشکلات بعد از ازدواج در مورد خود و تربیت فرزندانشان را حل کرده‌اند (شرفی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم، ۱۳۷۲: ۵۰).

بنابراین با نگاهی ساختاری به نقش‌های درون خانواده می‌توان تأثیر هرکدام بر جنبه‌های مختلف سبک زندگی را مورد بررسی قرار داد. نقش همسری با دو نمود شوهر و زن در قالب روابط زوجی و نقش‌های والدفرزندی با دو نقش پدری و مادری از عوامل مؤثر بر سبک زندگی قرآنی است.

### ج. نقش‌های مورد انتظار و همتراز با مردان

نقش‌های زوجین در سبک زندگی قرآنی متناسب با ویژگی‌های زیستی و تکوینی و در راستای اهداف متعالی ازدواج سامان یافته است. بر این اساس نقش‌های مورد انتظار و هم‌تراز با مردان در خانواده با رویکرد سبک زندگی قرآنی در قالب مسئولیت‌ها و نقش‌های زیر قابل دسته‌بندی است.

#### ۱. نقش همسری یا شوهری (سرپرستی و مدیریت ابزاری و ساختاری خانواده)

در سبک زندگی اسلامی، سرپرستی و مدیریت خانواده بر عهده مرد است. همان‌طور که قرآن، مهمترین منبع دستیابی به معارف الهی، به‌وضوح و باصراحت به کمیت و کیفیت ریاست خانواده پرداخته و می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء/۳۴)؛ «مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند.»

با توجه به دیدگاه‌های مفسران ذیل این آیه، مدیریت و ریاست کلان خانواده بر عهده شوهر و این ریاست یک مسئولیت، تکلیف، محافظت، سرپرستی و حمایت از نظام خانواده است و نه حکومت و سلطه. فلسفه این مسئولیت و حمایتگری نیز به علاوه بر ویژگی‌های جسمی، روانی، اجتماعی، هزینه‌هایی است که مرد برای خانواده متحمل می‌شود (پناهی، نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی، ۱۳۹۸: ۸۲). با این توضیح برخی به‌جای واژه ریاست شوهر عنوان سرپرستی و مدیریت که



بیشتر تأکید بر بُعد مسئولیت دارد را برجسته کرده‌اند (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۷: ۳/ ۴۱۱). پژوهش‌ها نیز این مسئله را مورد تأکید قرار داده‌اند که بین ساختار قدرت در خانواده و تعارضات زناشویی ارتباط وجود دارد. به نحوی که ضعف سرپرستی مرد یا اعمال قدرت به صورت اجباری و پرخاشگرانه باعث تزلزل در بنیان خانواده است (سعیدیان و دیگران، «بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی»، ۱۳۸۷: ۴۴) همان‌طور که سلطه‌گری زنانه نیز مشکل‌زا اعلام شده است (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۰۴: ۳/ ۳۸).

## ۲. نقش پدری

نقش و مسئولیت پدری پس از همسری، مهم‌ترین رکن نقش‌های خانوادگی برای مردان است. ویژگی‌های جسمی، روانی و اجتماعی پدر نقش بسزایی بر نوع تعامل و شخصیت فردی و اجتماعی فرزندان دارد. پژوهش‌ها حضور منظم پدر در خانواده را بر پیشرفت تحصیلی، رشد شناختی، رشد و شکل‌گیری سالم نقش جنسیتی، رشد و تحول اخلاقی و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مؤثر می‌دانند (نجاتی، قرآن و روان‌شناسی، ۱۳۷۱: ۲۰). عمده مسئولیت‌های پدر در خانواده را می‌توان در چند دسته مراقبتی، حمایتی، همبازی و ارائه‌دهنده خدمات قرار داد. نقش تربیتی پدر، در زمان تولد کودک کم و سپس در دوران بلوغ درخور توجه می‌شود. پدر عنصر قدرت و اقتدار در ذهن و نگرش فرزندان است؛ به گونه‌ای که الگویی بی‌مثال برای رشد و بالندگی پسران و معیاری مناسب از همسری آرمانی در ذهن دختران است. شخصیت فرزند بدون حضور و نقش تربیتی پدر دچار اخلال و آشفتگی می‌شود (دهقان‌نژاد، «نگاهی قرآنی به نقش پدر و مادر در جامعه پذیری فرزندان»، ۱۳۹۹: ۱۸۱). در قرآن کریم نیز مسئولیت حفاظت و نگهداری از خانواده و اعضای آن بر عهده پدر قرار دارد. سیاق این آیه به گونه‌ای است که گویا موجودیت خانواده با نقش پدری گره خورده است (تحریم/ ۶).

## ۳. نقش تربیتی پدر بر فرزندان پسر

از دیدگاه روان‌شناسی، پسران از سن سه تا شش سالگی، پدر خود را الگویی تام می‌دانند. برای رشد و تکامل جنسیتی فرزند پسر و نهادینه‌شدن هویت مردانه در او، حضور پدر همراه با نقش تربیتی مؤثر او می‌تواند فرزندان پسر را با مردانگی به معنای مسئولیت‌پذیری، قاطعیت، مثبت‌بودن و توانایی حل مسائل در شرایط سخت، آشنا کند. پسر از پدر، چگونه همسر و پدر بودن در آینده را نیز می‌آموزد (سیرز، نقش پدر در مراقبت و تربیت کودک، ۱۴۰۰: ۳۱). در داستان حضرت یوسف علیه السلام، برادران، با پیش‌کشیدن اینکه یوسف می‌تواند در صورت موافقت پدر در کنار آنان به بازی بپردازد، یعقوب پیامبر را

راضی کردند. این نشان می‌دهد که علی‌رغم میل باطنی حضرت یعقوب و ترس از آسیب‌های احتمالی، اهمیت گشت‌وگذار و بازی برای کودک و تأثیر آن در فرایند رشد و تربیت آنقدر اهمیت دارد که وی دست از مخالفت بر می‌دارد (یوسف/ ۱۲). علاوه بر این در تمام خطابات قرآنی لقمان به پسرش در همین زمینه قابل تبیین است.

#### ۴. نقش تربیتی پدر بر فرزندان دختر

نوع رابطه پدر با دختر، تأثیر درخور توجهی در انتخاب درست برای برقراری رابطه عاطفی و ازدواج دارد؛ زیرا پدر است که تصویر مرد ایدئال در ذهن دختر را تا حد زیادی می‌سازد. نتایج تحقیقات نشان داده، پدری که با خشونت و بدون محبت با دختر رفتار می‌کند، او را بیشتر به سمت روابط عاطفی پرخطر متمایل می‌کند (حیرانی، «نقش پدر در تربیت فرزندان»، ۱۳۹۱: ۱۵). در آموزه‌های اسلامی، پدران به حمایت و جانب‌داری از دختران و به توجه و محبت بیشتر به آنان سفارش شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که تأکید شده است، پدر هدیه را نخست به فرزند دختر بدهد و یا در صورت خطا، به تذکر دادن اکتفا کند. از داستان حضرت شعیب علیه السلام و دخترانش چند نکته می‌توان استفاده کرد. نخست اینکه دختران به‌گونه‌ای تربیت شده‌اند که در صورت نیاز هم‌تراز مردان و به‌جای پدر نقش‌آفرینی کنند. آنها طبق مشاهده حضرت موسی به دور از نامحرمان و بسیار باحیا هستند. علاوه بر این، در مواقع نیاز طرف مشورت پدر قرار دارند، آنجا که حضرت موسی را برای شبانی به پدر معرفی و سفارش می‌کنند (قصص/ ۲۳).

#### د. نقش‌های مورد انتظار و هم‌تراز با زنان

##### ۱. نقش مادری و مراقبتی

در میان اعضای خانواده بیشترین سهم تأثیرگذاری برای مادران است، به‌ویژه در خانواده‌هایی که شیوه زیستی طبیعی و مطابق با الگوها و سنت‌های اسلامی دارند. که بر اساس آن، شیر مادر بهترین غذای کودک و آغوش او، بهترین جایگاه برای تربیت و پرورش کودکان شناخته می‌شود. مادران علاوه بر فرایند تربیتی مرسوم، مدت نه ماه نیز جنین را در وجود خود مراقبت و حفاظت می‌کنند. بر پایه همین نگرش، بارزترین و والاترین نقشی که در کلام و حیانی قرآن برای زنان ترسیم شده و مورد ستایش قرار گرفته است، نقش مادری و عهده‌داری تربیت فرزندان از سوی آنان است (جمعی از نویسندگان، تربیت در جامعه اسلامی، ۱۳۹۱: ۵۸۴). آنجا که می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف/ ۱۵)؛ «و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد.»



علاوه بر نقش همسری، مدیریت خانه، نهادینه‌سازی عفت و پاکدامنی نیز از مواردی است که ذیل نقش‌های مورد انتظار و همتراز با زنان می‌آید.

## ۲. نقش همسری

این نقش در سه حوزه متفاوت اعم از تمکین از شوهر، محافظت از عرض و دارایی شوهر و پشتیبانی مادی و تامین عاطفی و روان‌شناختی جریان دارد. در یک تعبیر زیبا خداوند متعال زن و مرد را به لباسی زیبا تشبیه کرده است، آنجا که می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره/۱۸۷)؛ «آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید.» لباس بودن همسران برای یکدیگر از عوامل بسیار موثر در آرامش‌بخشی نظام خانواده است. برخی پژوهشگران عیب‌پوشی، برجسته‌سازی نقاط قوت و حفظ از گناه را ذیل لباس بودن تبیین کرده‌اند. (نعمتی و دیگران، تبیین عوامل آرامش‌زا و آرامش‌زدا در قرآن، ۱۴۰۰).

به تعبیر برخی مفسران همانطور که لباس انسان برخی ویژگی‌ها را دارد، همسر نیز باید واجد آن ویژگی‌ها باشد، ازجمله متناسب و هم‌کفو بودن، مایه زینت‌بودن، پوشاننده عیوب بودن، محفوظ نگهداشتن انسان از سرما و گرما، جلوگیری از رسوایی و مانع‌شدن از آلودگی در انسان (قرائتی، قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۶: ۱/۲۹۳).

تامین عاطفی و روانی زن برای مرد به معنای اقتداربخشی و ایجاد سکونت و آرامش در محیط خانواده است. آرامش‌بخشی از مهمترین کارکردهای خانواده است که در آیه ۳۰ از سوره روم مورد تاکید قرار گرفته است (نعمتی و دیگران، تبیین عوامل آرامش‌زا و آرامش‌زدا در قرآن، ۱۴۰۰).

در روایتی از امام رضا علیه السلام نیز به این مطلب اشاره شده است که هیچ سودی بهتر از این نیست که انسان دارای همسری خوب و شایسته و باایمان باشد که هرگاه او را می‌بیند خشنودش کند و هرگاه از او جدا می‌شود حافظ و نگهبان اموال و ناموس شوهر باشد (مجلسی، بحار الانوار، ۱۴۰۳: ۱۰۰/۲۱۷).

## نتیجه

سبک زندگی به‌عنوان الگوی کنش مرجح، مجموعه‌ای از رفتارهای تکرارشونده و موردپسند و متناسب با ذائقه فردی است که به‌منظور دستیابی به اهداف شخصی به کار گرفته می‌شود. در رویکرد اسلامی به سبک زندگی، الگوهای رفتاری ریشه در اعتقادات و معارف دینی دارند و فرد درصدد است تا این معارف و آموزه‌ها را در زندگی واقعی محقق و عملیاتی کند. ریشه‌یابی و تحلیل فرایند شکل‌گیری و کارکرد این الگوهای رفتاری، اهمیت خانواده و نقش آن در شکل‌گیری این الگوهای رفتاری را بیش از پیش به رخ می‌کشد.

خانواده، زمینه‌ها و عوامل زیستی و داشته‌های تکوینی فرد را با عوامل اجتماعی و اراده آزاد پیوند می‌زند. خانواده محل حضور و کنشگری فعال والدین در همه جنبه‌های فردی و اجتماعی است. در آموزه‌های اسلامی وزن خانواده درخور توجه است تا جایی که بنای خانواده مقدس و محبوب الهی است (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۰۴: ۳/۳۸۳) و ازدواج و تشکیل خانواده نشانه کمال دین‌داری است. ظرفیت تربیت‌پذیری کودکان و تکلیف تربیتی والدین، خانواده را به کانون انسان‌سازی تبدیل می‌کند. در واقع ترکیب قابلیت تکوینی فرزندان در کنار فاعلیت و مسئولیت شرعی والدین نسبت به تربیت فرزندان، زمینه‌ساز شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی است. این فرایند با واسطه‌گری نقش‌های خانوادگی اتفاق می‌افتد.

هر خانواده متشکل از نقش‌های اصلی و فرعی است که به نسبت دوری و نزدیکی به اعضای خانواده اثرگذاری متفاوتی دارند. نقش‌ها جایگاه‌های اعتباری و ذهنی هستند که انتظارات متناسب با عناوین خود را تولید و موجبات فشار جهت پاسخگویی در قبال انتظارات را فراهم می‌کنند. نقش‌های زوجینی که به چپستی، چرایی و چگونگی رفتارهای مورد انتظار همسران از یکدیگر می‌پردازد. نقش‌های والدینی یا والدفرزندی مناسبات بین والدین و فرزندان را تنظیم می‌کند و نقش‌های اختصاصی که هم‌تراز با مردان و زنان نسبت به موقعیت یا جنسیت فرزندان متفاوت است. نقش سرپرستی و مدیریت ابزاری خانواده در کنار نقش اختصاصی پدری مربوط به مرد و نقش سکونت‌بخشی مادری و مراقبتی، مهمترین نقش‌های اختصاصی زنان در خانواده است. نظام تربیتی و شخصیت کودک در نتیجه محبت مادرانه و اقتدار پدرانه به تعادل می‌رسد و از این طریق سبک زندگی سالم در وجود او پی‌ریزی می‌شود.





## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از اساتید جامعة المصطفی، انتشارات بین‌المللی المصطفی، قم: چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۲. ابن‌ادریس حلی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۱۰ ق.
۳. اسلام‌لو، نعیمه و همکاران، تربیت کودک، کرج: تالوت آرامش، ۱۳۹۰ ش.
۴. امام‌جمعه، فرهاد، جامعه‌شناسی فرهنگی، تهران: بهمن برنا، ۱۳۸۷.
۵. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم: ام‌ایبها، ۱۳۸۰.
۶. برنشتاین، بازیل، جامعه‌شناسی، ترجمه: عباس محمدی‌اصل، تهران: آرمان رشد، ۱۳۹۵.
۷. بیگی، روح‌الله، ارزش‌های اجتماعی در قرآن، قم: اسوه، ۱۳۸۹.
۸. پسندیده، عباس، رضایت از زن‌اشویی، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵.
۹. پناهی، علی‌احمد، نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی، قم: موسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۹۸.
۱۰. جمعی از نویسندگان، مقالات همایش تربیت در جامعه اسلامی، قم: موسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.
۱۱. حاج‌علی‌اکبری، محمدجواد، مطلع عشق (گزیده‌ای از رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای به زوج‌های جوان)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷.
۱۲. حدادی، محمدرضا، بروید باهم بسازید (توصیه‌های رهبر انقلاب به زوج‌های جوان)، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۳. حیرانی، شبنم، «نقش پدر در تربیت فرزندان»، مجله کودک، پیاپی ۸۵، ۱۳۹۱.
۱۴. دهقان‌نژاد، رضا، «نگاهی قرآنی به نقش پدر و مادر در جامعه پذیری فرزندان»، دو فصلنامه تفسیر پژوهی، ش ۱۷، ۱۴۰۱.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، سبک زندگی قرآنی، قم: معارف، ۱۳۹۶.
۱۶. رهبر، الهه، «خانواده و نقش عملکرد آن در تربیت دینی، تضاد شیوه‌های تربیتی خانواده و مدرسه»، پیوند: ۱۶، ش ۳۷۷، ۱۳۸۹.
۱۷. رئیسی‌وانانی، حسین و غلام‌حسن عیوضی، رسانه و نقش خانواده، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، ۱۳۹۱.

۱۸. سراقی، همایون؛ صفورایی پاریزی، محمد مهدی، «بازتعریف خانواده بر اساس قرآن و منابع روایی»، دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های روانشناسی اسلامی، س ۲، ش ۲، ۱۳۹۸ش
۱۹. سعیدیان، فاطمه؛ نوابی نژاد، شکوه؛ کیامنش، علیرضا، «بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده با تعارضات زناشویی»، پژوهش‌های مشاوره، ش ۲۸، ۱۳۷۸.
۲۰. سیرز، ویلیام، نقش پدر در مراقبت و تربیت کودک، مترجم: شرف‌الدین شرفی، تهران: صابرین، چاپ بیستم، ۱۴۰۰.
۲۱. شاملی، عباسعلی، «فرآیند تربیت فرزندان در اندیشه دینی، رویکرد آسیب‌شناختی»، فصلنامه کتاب زنان، ش ۲۴، ۱۳۸۲.
۲۲. شرفی، محمدرضا، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم؟ تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲.
۲۳. شریفی، احمدحسین، سبک زندگی ایرانی اسلامی، تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۱.
۲۴. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، روابط اجتماعی در اسلام، گردآوری محمدجواد حجتی کرمانی، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، معنویت تشیع، تهران: تشیع، ۱۳۸۷.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۸۴.
۲۹. عباسی، مهدی؛ پسندیده، عباس، الگوی تنظیم رفتار جنسی با رویکرد اسلامی، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۶.
۳۰. فاضل قانع، حمید، «سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی (با رویکرد رسانه‌ای)»، قم: مرکز پژوهش‌های صداوسیما، ۱۳۹۲.
۳۱. فاضلی، محمد، مصرف و سبک زندگی، تهران: صبح صادق، ۱۳۸۲.
۳۲. فعالی، محمدتقی، مبانی سبک زندگی اسلامی، قم: آل یاسین، ۱۳۹۷.
۳۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۶.
۳۴. کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.



۳۵. کینگ، ساموئل، جامعه‌شناسی، ترجمه مشفق همدانی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۹.
۳۶. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی، ۱۳۸۳.
۳۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۳۸. محمدی‌ری‌شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن، قم: دارالحديث، ۱۳۹۰.
۳۹. مصباح‌یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۹۱.
۴۰. مصطفوی، سیدحسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۸.
۴۱. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، تهران: شفق، ۱۳۷۲.
۴۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۴۳. مک‌کی، متیو و دیگران، مهارت‌های زندگی زناشویی، تهران: نسل نواندیش، ۱۳۹۰.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴.
۴۶. موسوی‌لاری، مجتبی، سیمای تمدن غرب، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۰.
۴۷. نجاتی، محمدعثمان، قرآن و روان‌شناسی، مشهد: آستان قدس، ۱۳۷۱.
۴۸. نعمتی، سلمان؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ صفورایی، محمد مهدی، «تبیین عوامل آرامش‌زا و آرامش‌زدای خانواده در قرآن، دو فصلنامه علمی پژوهشی قرآن و علم، س ۱۵، ۲۹»

## References

۱. Quran Karim (Translation of the Holy Quran): Translated by Mohammad Ali Rezaei Esfahani and A Group of Professors at Al-Mustafa International University, Al-Mustafa International University Publications, Qom: ۲<sup>nd</sup> Edition, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۲. A Group of Authors, Maqalat-e Hama'yesh-e Tarbiyat dar Jame'eh Eslami (Articles of the Conference on Education in Islamic Society), Qom: Mo'assese Imam Khomeini (R.A.), ۱۳۹۱ SH (۲۰۱۲ CE).
۳. Abbasi, Mehdi, Pesandideh, Abbas, Olgoye Tanzim-e Raftar-e Jensi ba Ru'ykard-e Eslami (The Model of Sexual Behavior Planning with an Islamic Approach), Qom: Dar al-Hadith, ۱۳۹۶ SH (۲۰۱۷ CE).
۴. Ansarian, Hussein, Nezam-e Khanevadeh dar Eslam (Family System in Islam), Qom: Om-Abiha, ۱۳۸۰ SH (۲۰۰۱ CE).
۵. Bernestein, Basil, Jam'ehshenasi (Sociology), Translated by Abbas Mohammadi Asl, Tehran: Arman Rushd, ۱۳۹۵ SH (۲۰۱۶ CE).
۶. Bigi, Rouhollah, Arzesh-haye Ejtma'i dar Quran (Social Values in the Quran), Qom: Uswa, ۱۳۸۹ SH (۲۰۱۰ CE).
۷. Dehqannejad, Reza, "Negahi Quran'i be Naqshe Pedar va Madar dar Jame'eh Paziri-ye Farzandan" (A Quranic View on the Role of Father and Mother in Society's Acceptance of Children), Dofaslnameh Tafsirpajouhi (Tafsir Studies Quarterly), No. ۱۷, ۱۴۰۱ CE (۲۰۲۲ CE).
۸. Emam Jome'h, Farhad, Jame'shnavasi Farhangi (Cultural Sociology), Tehran: Bahman Borna, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۹. Eslamlou, Naimeh, et al., Tarbiyat-e Kodak (Child Upbringing), Karaj: Taloot Aramesh, ۱۳۹۰ SH (۲۰۱۱ CE).
۱۰. Fa'ali, Mohammad Taqi, Mabani-ye Sabk-e Zendegi Eslami (The Foundations of Islamic Lifestyle), Qom: Al-Yasin, ۱۳۹۷ SH (۲۰۱۸ CE).
۱۱. Fazel Qane, Hamid, Sabk-e Zendegi bar Asas-e Amuzeh-haye Eslami (ba Ru'ykardi-ye Rasanei) (Lifestyle Based on Islamic Teachings with a Media Approach), Qom: Markaz Pazhuhash-haye Sedavasima, ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۱۲. Fazeli, Mohammad, Masraf va Sabk-e Zendegi (Consumption and Lifestyle), Tehran: Sobh Sadiq, ۱۳۸۲ SH (۲۰۰۳ CE).
۱۳. Giddens, Anthony, Jame'shenasi (Sociology), Translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Ney, ۱۳۸۳ SH (۲۰۰۴ CE).
۱۴. Haddadi, Mohammad Reza, Baravid Baham Basazid (Go Forward Together, Recommendations of the Supreme Leader to Young Couples), Tehran: Office of Islamic Culture Publications, ۱۳۸۸ SH (۲۰۰۹ CE).
۱۵. Haj Ali Akbari, Mohammad Javad, Matla'e Eshq (Dawn of Love, Selection of Ayatollah Khamenei's Guidance to Young Couples), Tehran: Office of Islamic Culture Publications, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۱۶. Heyrani, Shabnam, Naqsh-e Pedar dar Tarbiyat-e Farzandan (The Role of Fathers in Child Upbringing), Majaleh Koodak (Children's Magazine), No. ۸۵, ۱۳۹۱ SH (۲۰۱۲ CE).



۱۷. Ibn Idris Helli, Al-Sarair al-Hawi li Tahrir al-Fatawa (The Vast Secrets for Composing Fatwas), Qom: Ayatollah Mara'shi Library, ۱۴۱۰ CE (۱۹۹۰ CE).
۱۸. Kaviani, Mohammad, Sabk-e Zendegi Eslami va Abzar-e Sanjesh-e An (Islamic Lifestyle and its Evaluation Tools), Qom: The Research Institute of Seminary and University, ۱۳۹۲ SH (۲۰۱۳ CE).
۱۹. King, Samuel, Jame'shenasi (Sociology), Translated by Moshfeq Hamedani, Tehran: Amir Kabir, ۱۳۴۹ SH (۱۹۷۰ CE).
۲۰. Majlisi, Mohammad Baqir, Bihar al-Anwar (Seas of Lights), Beirut: Mu'assasat al-Wafa, ۱۴۰۳ CE (۱۹۸۳ CE).
۲۱. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir-e Nemooneh (Exemplary Exegesis), Qom: Dar al-Ketab al-Islamiyyah, ۱۳۷۴ SH (۱۹۹۵ CE).
۲۲. Makarem Shirazi, Naser, Tafsir-e Nemooneh (Exemplary Exegesis), Qom: Dar al-Ketab al-Islamiyyah, ۱۳۷۴ SH (۱۹۹۵ CE).
۲۳. Mazahari, Hussein, Khanevadeh dar Eslam (Family in Islam), Tehran: Shafaq, ۱۳۷۲ SH (۱۹۹۳ CE).
۲۴. McKee, Matthew et al., Maharat-haye Zendegi-ye Zanashuyi (Marital Life Skills), Tehran: Nasl-e Nowandish, ۱۳۹۰ SH (۲۰۱۱ CE).
۲۵. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, Akhlaq dar Quran (Ethics in the Quran), Qom: The Institute of Imam Khomeini (R.A.), ۱۳۹۱ SH (۲۰۱۲ CE).
۲۶. Moein, Mohammad, Farhang-e Farsi (Persian Dictionary), Tehran: Amir Kabir, ۱۳۷۱ SH (۱۹۹۲ CE).
۲۷. Mohammadi Ray Shahri, Mohammad, Tahkim Khanevadeh az Negah-e Quran (Strengthening the Family from the Quranic Perspective), Qom: Dar al-Hadith, ۱۳۹۰ SH (۲۰۱۱ CE).
۲۸. Musavi Lari, Mojtaba, Simaye Tamaddon-e Gharb (The Face of Western Civilization), Qom: Daftare Entesharate Eslami, ۱۳۶۰ SH (۱۹۸۱ CE).
۲۹. Mustafavi, Seyyed Hassan, Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran al-Karim (Investigation into the Words of the Noble Quran), Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, ۱۳۶۸ SH (۱۹۸۹ CE).
۳۰. Najati, Mohammad Othman, Quran va Ravanshenasi (Quran and Psychology), Mashhad: Astane Quds Razavi, ۱۳۷۱ SH (۱۹۹۲ CE).
۳۱. Panahi, Ali Ahmad, Naqsh-e Zan va Mard dar Khanevadeh ba Ru'ykard-e Eslami (The Role of Women and Men in the Family with an Islamic Approach), Qom: Mo'assese Imam Khomeini (R.A.), ۱۳۹۸ SH (۲۰۱۹ CE).
۳۲. Pesandideh, Abbas, Razi'at az Zanashuyi (Satisfaction with Marital Life), Qom: Dar al-Hadith, ۱۳۸۵ SH (۲۰۰۶ CE).
۳۳. Qira'ati, Mohsen, Tafsir-e Noor (Exegesis of Noor), Qom: Cultural Center of Quranic Studies, ۱۳۸۶ SH (۲۰۰۷ CE).
۳۴. Rahbar, Elaheh, "Khanevadeh va Naghshe Amalkard-e An dar Tarbiyat Dini, Tazad-e Shiveh-haye Tarbiati-ye Khanevadeh va Madreseh" (Family and Its Performance Role in Religious Upbringing, Contrast of Family and School Educational Methods), Payvand, Vol. ۱۶, No. ۳۷۷, ۱۳۸۹ SH (۲۰۱۰ CE).
۳۵. Raisi Vavani, Hussein, Ayuzi, Gholam Hassan, Rasaneh va Naghshe Khanevadeh (Media and the Role of Family), Qom: Markaz Pazhoohesh-haye Eslami Sedavasima, ۱۳۹۱ SH (۲۰۱۲ CE).

۳۶. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, Sabk-e Zendegi Quran'i (Quranic Lifestyle), Qom: Ma'aref, ۱۳۹۶ SH (۲۰۱۷ CE).
۳۷. Saduq, Mohammad bin Ali, Man La Yahduru al-Faqih (Those Who Don't Have Any Access to Any Jurist), Researched by Ali Akbar Ghaffari, Qom: Qom Seminary Teachers Publications, ۱۴۰۴ CE (۱۹۸۴ CE).
۳۸. Saeidian, Fatemeh, Navabi-Nezhad, Shokouh, Kiyamansh, Alireza, "Barrasi-ye Rabete Beyn Sakhtare Qodrat dar Khanevadeh ba Ta'arozat Zanashuyi" (Investigation of the Relationship Between Power Structure in the Family and Marital Conflicts), Pazhoohesh-haye Moshavereh (Counseling Research Journal), No. ۲۸, ۱۳۷۸ SH (۱۹۹۹ CE).
۳۹. Sears, William, "Naghsh-e Pedar dar Maraqqebat va Tarbiyat-e Kodak" (The Role of Father in Childcare and Upbringing), Translated by Sharaf al-Din Sharafi, Tehran: Saber, ۲۰<sup>th</sup> Edition, ۱۴۰۰ SH (۲۰۲۱ CE).
۴۰. Shameli, Abbas Ali, "Fara'nd-e Tarbiyat-e Farzandan dar Andisheh Dini, Ru'ykard-e Asibshenakhti" (Child Upbringing Process in Religious Thought, Pathological Approach), Faslameh Ketab-e Zan (Women's Book Quarterly), No. ۲۴, ۱۳۸۲ SH (۲۰۰۳ CE).
۴۱. Sharafi, Mohammad Reza, Ba Farzand-e Khod Chagonah Rafdar Konim? (How Should We Behave with Our Child?), Tehran: Jihad Daneshgahi, ۱۳۷۲ SH (۱۹۹۳ CE).
۴۲. Sharifi, Ahmad Hussein, Sabk-e Zendegi-ye Irani Eslami (Islamic Iranian Lifestyle), Tehran: Aftab-e Tose'a, ۱۳۹۱ SH (۲۰۱۲ CE).
۴۳. Soraqi, Homayoun, Safurai-Parizi, Mohammad Mahdi, "Bazta'rif-e Khanevadeh bar Asas-e Quran va Manabe Rayi" (Re-Definition of Family Based on the Quran and Narratives), Dofaslameh Takhassosi-ye Pajooesh-haye Ravanshenasi-ye Eslami (Special Biannual of Islamic Psychology Research), Vol. ۲, No. ۲, ۱۳۹۸ SH (۲۰۱۹ CE).
۴۴. Tabarsi, Fadhl bin Hassan, Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Compilation of Clear Exposition in Quranic Exegesis), Tehran: Naser Khosrow, ۱۳۸۴ SH (۲۰۰۵ CE).
۴۵. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir al-Quran (The Scale in Quranic Exegesis), Qom: Islamic Publications Office, ۱۴۱۷ CE (۱۹۹۷ CE).
۴۶. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, Ma'naviyat-e Tashayyo (Spirituality of Shia), Tehran: Tashayyo, ۱۳۸۷ SH (۲۰۰۸ CE).
۴۷. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, Ravabet-e Ejtema'i dar Eslam (Social Relations in Islam), Compiled by Mohammad Javad Hojjati Kermani, Qom: Bustan Ketab, ۱۳۸۹ SH (۲۰۱۰ CE).
۴۸. Nemati, Salman; Janbozuri, Massoud; Safuraei, Mohammad Mahdi, "Explanation of the comforting and relaxing factors of the family in the Qur'an", Quran and Science Journal, Volume ۲۹, Number ۲۹, November ۲۰۲۲.